

به مناسبت ۲۹ فروردین

## احیای دوباره ارتش ایران

سرلشکر ناصر فرید  
رییس پیشین ستاد ارتش

توسط شبکه‌های پنهانی ارتش نیروهای انتظامی را زیر کنترل داشت. این روند چنان‌که ملاحظه شد از بسیاری جهات غیرعادی بود و نه تنها با شایعه مربوط به شکنجه و اختناق ساواک چهره رژیم را در نظر افکار عمومی سیاه جلوه داد بلکه با عصیان ملت و بی‌تفاوتی بر اثر پرسنل ارتش توأم شد و چنانکه برآوردهای متعدد نشان می‌دهد، رژیم پادشاهی با در اختیار داشتن دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد امنیتی و اطلاعاتی، با نگرش سطحی به موقعیت‌های متغیر سیاست خارجی و بی‌اعتنائی به عدم رضایت مردمی، تلاش زیادی خواهی آنان را، ندای خائنانه عناصر مزدور خارجی قلمداد می‌کرد و بدون ریشه‌یابی، برخوردهای خشونت‌آمیز و سرکوب‌های خیابانی با نیروهای سنگین ارتش را جایگزین تسکین تحسن‌ها می‌نمود با اینکه به مرور نارضایتی‌ها توأم با انصراف سیاست خارجی از پشتیبانی (شاه) بصورت سیلی بنیان کن موجبات خروج شاه را از کشور فراهم آورد. بدین ترتیب پس از خروج شاه از کشور و شدت بحران‌های تصاعدی و نمود راهبردی مؤثر به منظور بقاء دولت بختیار و پیشگیری از هم‌باشیدگی نیروهای نظامی - انتظامی با تعدادی افسران تصفیه‌شده ارتش، گردهم آئی‌هایی ترتیب داده شد و ضمن تماس مستقیم با سران و شخصیت‌های ملی، به بررسی وضع نشیخ روز می‌پرداختیم.

- روند نتیجه‌ی ناکارآمدی دولت بختیار، گرایش گسترده مردمی به تبلیغات منتشر شده، از پاریس، مساله سفر بختیار به پاریس و سپس خبر ورود آیت‌الله خمینی به تهران آذهان عمومی را شدیداً متوجه خود ساخت که با عقب‌نشینی بختیار و باز شدن فرودگاه برای ورود (امام) راهبرد جدیدی به روی تحول تاریخی ایران گشوده شد.

بدین ترتیب که، آیت‌الله چهار روز پس از ورود به ایران آقای بازرگان را در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به نخست‌وزیری منصوب نمود و در آن زمان بطور مشخص دو کابینه وجود داشت. کابینه آقای بختیار در کاخ نخست‌وزیری و دیگری کابینه آقای مهندس بازرگان و شرکاء ایشان.

- در آن هنگام احساس می‌شد که کشور در آستانه جنگ داخلی قرار دارد. زیرا، از یک‌سو از جانب آیت‌الله، تهدید به جهاد مطرح بود و از طرف دیگر دکتر بختیار پشتیبانی ارتش و کودتا را به رخ می‌کشید و بدین ترتیب کلیه تلاشها برای یافتن راه حل مسامحت‌آمیز بی نتیجه مانده بود.

- در آن هنگام با پیامی از طرف مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی<sup>۲</sup>، اعلام شد تا افسران تصفیه شده سیاسی و ملی در جلساتی مشترک به هم‌هنگی بیشتر اقدام نمایند و در نتیجه یقین حاصل شد که دکتر بختیار قادر به مقابله با انقلاب نیست و ارتش در حال فروپاشی است. ابتدا تصور نمی‌رفت روند انقلاب با چنان سرعت و حدتی نزدیک باشد ولی؛ اولین جرقه انقلاب در شب‌هنگام ۲۰ بهمن ۱۳۵۷ با درگیری همافران در یادگان دوشان تپه با نیروی گارد شاهنشاهی (جاویدان) زده

ارتش و نیروهای مسلح ایران در دوران پهلوی‌ها، نهادی استثنائی بود که رژیم موجودیت خود را مدیون آن می‌دانست و هر دو شاه برای حکومت در کشور به ارتش و نیروهای مسلح تکیه داشتند و هر دو سلطان تقویت آن را وجهه نظر خود ساختند.

در نتیجه ارتش در آن دوران با معیارهای قرن بیستم، منظم - متحدالشکل و مجهز به پیشرفته‌ترین سلاحها و تجهیزات زمان خود بود و همچنین از ورزیده‌ترین متخصصین نظامی و بالاترین تکنسینهای وسائل رزمی مدرن برخوردار بود. بدین ترتیب در فاصله زمانی کوتاه به یکی از قدرتهای بزرگ آسیائی تبدیل شد و در تعادل قدرت‌ها در منطقه و حوزه خلیج فارس و روابط بین‌الملل تأثیر قابل ملاحظه‌ای یافته بود.

بدان ترتیب قدرت روزافزون ارتش، بصورت سازمان استثنائی (ارتش شاهنشاهی) به گونه‌ای اخص و مجزا از کلیدی ترین ارکان‌های مملکتی درآمد و وفاداری به شخص شاه به طور مستمر به کارکنان نیروهای مسلح گوش‌زد می‌شد و روش‌های گسترده آن اهرم قدرت را غیرسیاسی و غیرمردمی می‌کردند و انتصاب کلیدی صرفاً با اعتماد شاه صورت می‌گرفت. ادامه این روند پس از دوران دولت دکتر محمد مصدق که شاه را در جهت سلطنت کردن (به موجب قانون اساسی) و نه حکومت، و نیروهای مسلح را به سوی مردمی‌بودن و خردگرایی سوق می‌داد با شدت بیش‌تری روبه‌رو شد:

چنان‌که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با مشورت مستشاران آمریکا قرار شد طرحی تهیه شود که به موجب آن ارتش ایران به تدریج از وجود عناصر (نامطلوب) پاکسازی شد!

بدان ترتیب پس از حذف ۵۰۰ افسر و درجه‌دار از کادر ارتش به عنوان گرایش به ایدئولوژی چپ تا سال ۱۳۴۲ تعداد دیگری با معیارهای عصر «نامطلوب» از کار برکنار شدند.

ارتشبد فردوست در خاطراتش در کتاب **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی** این مورد را به صورت زیر تأیید کرده است:<sup>۱</sup>

پس از ۲۸ مرداد ۳۲ که آمریکایی‌ها با قدرت تمام وارد صحنه شدند. بدین منظور که ایران به صورت پایگاه اصلی در منطقه حفظ شود، در درجه اول به تأسیس سازمان ضد اطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه‌ی دوم به ایجاد سازمان امنیت کشور (ساواک) پرداختند.

عوامل ضد اطلاعات از فرماندهان رده‌های مختلف ارتش تبعیت نمی‌کردند و این در واقع نیاز محمدرضا شاه و آمریکاییها بود. ولی انگلیسی‌ها نیز نمی‌توانستند از همه امکانات خود در ایران صرف‌نظر کنند و در سازمان جدید اطلاعاتی و امنیتی ایران سهم و نقشی نداشته باشند. لذا با تمهیداتی موافقت شاه را جلب کردند که سازمانی به نام (دفتر ویژه اطلاعات) طبق الگوی انگلیسی در تهران آغاز به فعالیت کند، این دفتر

شد و در باامداد روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ گروه کثیری از مردم به پادگان‌ها هجوم بردند و قیام مسلحانه از همان روز همه‌گیر گردید. از طرف آیت‌الله خمینی سربچی از اعلامیه‌ی منع عبور و مرور فرمانداری نظامی، صادر گردید و از اوائل شب تا صبح نبرد مسلحانه در تهران ادامه یافت و بسیاری از پادگان‌ها به دست مردم سقوط کرد و در سراسر کشور تظاهراتی به طرفداری انقلاب برپا گردید و در صبح روز ۲۲ بهمن تشنج با شدت بیشتری ادامه یافت.

دکتر شاهپور بختیار می‌گوید: صبح روز یکشنبه ۲۲ بهمن با رفتاری‌ها و مشغله‌ها با تعجب در فکر سکوت قره‌باغی بودم و گفتیم به او تلفن کنند که به نخست‌وزیری بیاید، به من گفتند که در جلسه مهم شورای ستاد ارتش می‌باشند و پس از ختم آن خواهند آمد.<sup>۳</sup> به گفته‌ی ارتشبد قره‌باغی در ساعت ده و نیم روز ۲۲ بهمن، شورای عالی نیروهای مسلح در تالار شورا در مرکز ستاد محل با حضور ۲۷ نفر از فرماندهان معاونین و رؤسا و مسئولین سازمان‌های ارتش تشکیل گردید.

جلسه شورا با اظهار نظر فرماندهان به این نتیجه رسید که پشتیبانی ارتش از دولت تا موقعی بود که نخست‌وزیر پشتیبان قانون اساسی باشد، حال‌آنکه اعلی‌حضرت تشریف برده‌اند و بنا به اظهار نخست‌وزیر مراجعت نمی‌کنند و تمام ملت ایران هم عملاً در این مدت نشان داده‌اند که پشتیبان ایشان نمی‌باشند و خواستار جمهوری اسلامی هستند، بنابراین دیگر ارتش وظیفه ندارد از نخست‌وزیر پشتیبانی کند و باید به ملت بپیوندد و اعلام همبستگی کند و به برادرکشی خاتمه دهد، در این موقع ارتشبد قره‌باغی به سپهبد حاتم می‌گوید که صورت جلسه شورا را بنویسد.<sup>۴</sup>

متن اعلامیه در ساعت یک و ربع تنظیم و در همان روز ۲۲ بهمن ماه از رادیو پخش گردید. در همان موقع که سران و فرماندهان ارتش در ستاد بزرگ سرگرم تهیه اعلان بی‌طرفی بودند انقلابیون حمله به تأسیسات و پایگاه‌های ارتش را ادامه می‌دادند، و عصر روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سازمانی بنام ارتش شاهنشاهی وجود نداشت و رژیم سلطنتی یهلوی سقوط کرد.<sup>۵</sup>

صبح روز ۲۳ بهمن با پیامی از سوی نخست‌وزیر مهندس مهدی بازرگان به منظور احیای ارتش افسران هوادار نیروهای سیاسی معتدل ملی به معیت داریوش فروهر وزیر کار حضور به هم رسانیدند و تصمیم گرفتند سرلشکر قرنی ارشدترین آنان به عنوان اولین رئیس ستاد کل ارتش ملی در ستاد کل ارتش ملی هدایت شود و در همان روز به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که سربعاً با دعوت از افسران و امراء ارتش و بررسی سوابق آنان به ساختار و احیای ارتش بپردازند. ولی ملاحظه شد تیمسار قرنی تصمیم‌های دیگری اتخاذ کردند، بدین ترتیب بازتنسنگی علیه امراء مطرح گردید (بعدها به دستگیری و اعدام و زندان منجر گردید) در نتیجه بدین سبب افسران جناح نظامی طی نامه‌یی به تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۵ موارد موافقت شده قبلی را به رئیس ستاد کل گوشزد کردند و مسلم شد روند امور بر جهت دیگری است، لذا با اطلاع نخست‌وزیر ستاد کل را ترک نمودند.

از آن پس به مدت چهل روز که انتظار شیفتگان عظمت کشور در رویت دوباره ارتش به نومیادی می‌گرایید با شروع سال نو فروردین ۱۳۵۸ به پیشنهاد دولت موقت مسئولیت ریاست ستاد کل ارتش ملی به منظور احیای مجدد ارتش و نیروهای انتظامی را پذیرفتم. آقای مهندس بازرگان به ناکارآمدی ستاد کل در انسجام مجدد نیروهای مسلح و عدم هم‌آهنگی

با تدبیر و سیاستگذاری دولت، ناگاهی از معیارهای امنیت ملی و خشونت نظامی در کردستان اشاره داشتند و تغییر ریاست ستاد کل را ضروری دانستند.

اینجانب از همان روز (ششم فروردین ۱۳۵۸) در دفتر ستاد کل دریافتیم که شرایط پیش آمده موجب شده است که (نه) دولت موقت از انسجام و تمرکز قدرت لازم برخوردار است و (نه) ستاد کل ارتش چون گذشته سامان منسجمی برای برقراری و هدایت ارتش به منظور استقلال کشور و امنیت منطقه را دارد.<sup>۶</sup>

لذا از همان روز، در غیبت فرماندهان و امراء و اکثر افسران ارشد با تلاش شبانه روزی به کمک شماری از افسران جوان روحیه باخته تشکل نسبی نیروهای مسلح ارتش را اعلام و در روز ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ به مردم ایران و خبرنگاران خارجی عرضه گردید. از آن پس آن روز به نام روز ارتش، همه ساله به عنوان احیای مجدد ارتش با مراسم ویژه یادآوری می‌گردد.

در آن روز ملت ایران و رسانه‌های خارجی که به حضور ارتش تردید داشتند، هنگامی که نیروهای ارتش را با یونیفورم و ساز و برگ مناسب و سلاح و ادوات سنگین مشاهده کردند که اعلام عینی نیروهای مسلح توأم با حضور هیجان‌انگیز برای همبستگی ملی مجدداً احیاء گردیده است و امید آن بود که آن بصورت تصاعدی ادامه یابد.

اولین دیدار رسمی نخست‌وزیر از یگان‌های مسلح ارتش جمهوری اسلامی، به گزارش تهران خبرگزاری پارس، چنین بود: «بعناظر دیروز آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در اولین بازدید رسمی خود از پاسدار تشریفات یگان‌های نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و پرچم‌های آنها سان دیدند.

در این دیدار که اولین مراسم رسمی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز بود، ابتدا فرمانده پاسدار تشریفات گزارش نظامی داد و آقای نخست‌وزیر از برابر واحدهای زمینی، هوایی و دریایی گذشتند و سپس مرکز فرماندهی ستاد کل مورد بازدید ایشان قرار گرفت.

در مراسم دیروز سرلشکر فرید رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، تیمسار ریاحی وزیر دفاع، دکتر ابراهیم زیدی وزیر امور خارجه، احمد صدرحاج سید جواد وزیر کشور، داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی، مهندس عباس امیرانظام معاون نخست‌وزیر، دکتر چمران و آیت‌الله خامنه‌ای شرکت داشتند.

پس از بازدید شرکت‌کنندگان در این مراسم به اتفاق فرماندهان نظامی ارتش در جلسه‌ای که در محل ستاد تشکیل شده بود، حضور یافتند و مدتی به مذاکره پرداختند.»

چنین بود که روز ۲۹ فروردین، روز ارتش نام‌گذاری شد و همه‌ساله ادامه دارد. ■

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست
- ۲ و ۳- نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران، تألیف سرلشکر ناصر فرید.
- ۵- نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران، تألیف سرلشکر فرید
- ۶- ماهنامه‌ی ایران مهر، به سردبیری پروفسور حسن امین، شماره‌ی ۶، دی ۱۳۸۲.